

مقدمه:

کودکان امروز، لازم است بزرگسالانی خلاق و مبتکر باشند؛ زیرا جهان به سرعت در حال تغییر و دگرگونی است و آنان نیاز دارند برای رویارویی با مشکلات و فائق آمدن بر آنها خلاقانه فکر و عمل کردن را بیاموزند. بیش‌تر بزرگسالان هیچ گاه فکر نمی‌کنند که چگونه می‌توانند خلاق و مبتکر شوند، زیرا نه یک رشته هنری خاص را که منجر به شکوفا شدن استعدادهای آنها شود، دنبال می‌کنند و نه سعی می‌کنند بین دانسته‌ها و پدیده‌های محیطی‌شان ارتباطی جدید برقرار کنند. در صورتی که خلاقیت، ابتکار و نوآوری مرحله‌ای از رشد عقلی است که می‌تواند منجر به ساخت و ایجاد موقعیتی برای راحت‌تر زیستن شود. همه ما از حاصل فکر افراد خلاق که در گذشته به نحوی از قدرت تخیل، تفکر و برقراری روابط بین آنها استفاده کرده‌اند، بهره می‌بریم. آنها آن چه را که نبوده، ولی قابلیت بودن را داشته است، ساخته‌اند.

برای «خلاق بودن»، نیازی به داشتن هوش و ذکاوت بالا نیست. به عبارت دیگر، یک فرد خلاق الزاماً فردی با هوش نیست، بلکه تنها با استفاده از تجربه، آزمایش و البته کنجکاوی و بررسی درباره پدیده‌های محیطی‌اش، قوه خلاقیت و ابتکار خود را متجلی می‌سازد. «خلاق بودن» به معنای ایجاد تغییراتی در محیط به منظور کشف ناشناخته‌ها و روابط جدید است. کودکان ذاتاً خلاق‌اند، به شرط آن که بتوانیم شرایط و موقعیتی برایشان فراهم آوریم که سرشار از ایده‌ها و ابتکارات جالب باشد و آنها بتوانند بدان وسیله استعدادها و مهارت‌های ناشکفته خود را شکوفا سازند و فرصتی برای رشد و پرورش نیروی خلاقانه‌شان پیدا کنند. کودکان، تخیلات، ایده‌ها و افکار خود را با به کار گرفتن روش‌های گوناگون و خاص خود بیان می‌کنند. آنها نقاشی می‌کنند، داستان می‌نویسند، نقش بازی می‌کنند، یک قطعه موسیقی می‌سازند، کاردستی درست می‌کنند، مسئله حل می‌کنند... کودکان برای ارائه کارهای خلاقانه خود نیازمند ایده‌ها و اطلاعات خامی‌اند که با ترکیب کردن آنها بتوانند قوه ابتکار و نوآوری‌شان را نمایش دهند. کتاب، بازی‌های گوناگون، لوازم و مواد خام اولیه، نوارهای موسیقی، عروسک‌های نمایشی... همگی می‌توانند انگیزه و عاملی برای احیا و بروز خلاقیت هنری - علمی بچه‌ها باشند.

آیا می‌دانید چگونه می‌توان کودگانی خلاق تربیت کرد؟

مجموعه‌ای از کتاب‌های ارزشمند و کاربردی



اسباب بازی‌ها و وسایلی که ساخته فکر بزرگسالان‌اند، هیچ‌گاه نمی‌توانند خلاقیت کودک را برانگیزند. تجاربی که کودکان در سال‌های اولیه رشدشان از محیط کسب می‌کنند، اندوخته‌ای برای تفکر خلاقانه آنان به حساب می‌آید. هر قدر این دانسته‌ها و اطلاعات بیش‌تر و متنوع‌تر باشند، پیش‌زمینه بهتری برای پرورش و بروز خلاقیت در خود ذخیره خواهند کرد.

راه‌های پرورش خلاقیت در کودکان

یکی از کارهایی که موجب رشد قوه خلاقه بچه‌ها می‌شود این است که آن‌ها را تشویق کنیم تا به پدیده‌های طبیعی پیرامونشان عمیق‌تر بنگرند، از هر موضوعی به سادگی رد نشوند، درصدد حل مشکلات و بازیابی اشتباهات خود برآیند، میل به دانستن را در خود پرورش دهند و فکر کنند در آینده به چه چیزها و وسایلی احتیاج خواهند داشت. زمانی که بچه‌ها یاد می‌گیرند برای حل مسئله‌ای تنها به یک راه‌حل فکر نکنند و به دنبال راه‌حل‌های جدیدتر و متنوع‌تر باشند، در حقیقت مهارت تفکر خلاق را در ذهن خود پرورش می‌دهند. برای مثال، هنگامی که والدین یا مربیان قصد دارند عمل جمع را به کودکان خردسال بیاموزند، اگر تنها سعی کنند با نوشتن اعداد و

استفاده از تعدادی مهره، آموزش خود را دنبال کنند، مسلماً با مشکل روبه‌رو خواهند شد. اما اگر از وسایل، امکانات و راه‌های ملموس و متنوعی استفاده کنند (مثل: جمع کردن سیب و پرتقال، یا مداد و دفتر، و...)، بچه‌ها مفهوم جمع را بهتر درک می‌کنند و قادر به تعمیم آن به کلیه پدیده‌ها و موضوعات اطرافشان می‌شوند. بچه‌هایی که در توانایی درک و فهم مسائل ضعیف‌اند، قادر نخواهند بود به راه‌حل صحیح مسئله یا راه‌حل‌های جدید و متنوع آن فکر کنند. در

زمانی که
بچه‌ها یاد می‌گیرند برای
حل مسئله‌ای تنها به یک
راه‌حل فکر نکنند
و به دنبال راه‌حل‌های
جدیدتر و متنوع‌تر باشند،
در حقیقت مهارت تفکر خلاق
را در ذهن خود
پرورش می‌دهند.



شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نظر داشته باشید که کودکان خردسال چون هنوز در مرحله تفکر انضمامی‌اند، موضوعات و پدیده‌هایی را که برایشان قابل حس و لمس باشند، بهتر یاد می‌گیرند. آن‌ها مطالبی را که بشنوند، ببینند و لمس کنند، واقعی می‌دانند و بهتر می‌آموزند. برای تدریس و آموزش کودکان، استفاده از یک روش، هیچ‌گاه کافی نیست، چون بچه‌ها دارای تفاوت‌های فردی بی‌شماری‌اند و هر یک مسئله را با شیوه خاص خود تجزیه و تحلیل می‌کنند؛ پس یک روش یادگیری نمی‌تواند



**توانایی‌ها
و استعداد‌های کودکان را
- هرچند ناچیز و ناپخته است -
ارج نهید
و سعی کنید با حمایت‌ها و
تشویق‌های خود،
اعتماد به نفس آن‌ها را
تقویت کنید.**

موفقیت همهٔ بچه‌ها را تضمین کند.

در مواردی، والدین، مربیان و سایر بزرگسالانی که وظیفهٔ پرورش کودکان را به عهده دارند، خود نیازمند صرف وقت و انرژی برای پی بردن به توانایی‌های گوناگون خودند تا بتوانند با اعتماد به نفس کافی کودکان و نوجوانان را در بروز خلاقیت و نوآوری شان یاری کنند. آن‌ها باید از این که فرصتی برای پرورش قوهٔ ابتکار و خلاقه‌شان پیدا می‌کنند، لذت ببرند و مثل کودکان که در پی یافتن پاسخ سؤالات خود بر می‌آیند، کنجکاوانه مسایل را بررسی کنند. بچه‌ها نیز با مشاهدهٔ اعمال و رفتار بزرگسالان و تقلید از آن‌ها مطالب بسیاری می‌آموزند. برای مثال، قدری خمیر یا گل سفالگری بردارید و سعی کنید چند دقیقه‌ای آن را در میان دست‌هایتان بفشارید و نرم کنید. تصور کنید بچه‌ها از لمس کردن و فشردن چنین خمیری چه احساسی می‌کنند و چه سؤالاتی به ذهنشان خطور می‌کند. برای ایجاد روحیهٔ کنجکاوی و کاوش در کودکان، آن‌ها را تشویق کنید تا نظرها و ایده‌های بدیع خود را مطرح کنند و انتظار نداشته باشید که گفته‌ها و عملکردهای بچه‌ها مثل هم باشند، زیرا هر کودک یا نوجوانی با توجه به فرصت‌ها و امکاناتی که در اختیار دارد، اندیشه‌ها و تصورات ذهنی‌اش را جامعهٔ عمل می‌پوشاند. توانایی‌ها و استعداد‌های کودکان را - هرچند ناچیز و ناپخته است - ارج نهید و سعی کنید با حمایت‌ها و تشویق‌های خود، اعتماد به نفس آن‌ها را تقویت کنید. گوشه‌ای از اتاق یا منزل خود را به نمایشگاهی از کارهای دستی و پژوهشی فرزندتان

اختصاص دهید، و وقتی از شما می‌خواهند که چیزی را برایشان بسازید، مشتاقانه این کار را انجام دهید و اجازه دهید که بچه‌ها شور و اشتیاق شما را نظاره کنند.

چنانچه هدف شما پرورش نیروی خلاقیت و ابتکار کودکان و نوجوانان است، باید به سه اصل مهم در این زمینه توجه داشته باشید:

اول) تهیهٔ امکانات و وسایل کار (هرچند ساده و غیرحرفه‌ای باشد).

دوم) ایجاد انگیزه و حرکت در کودکان و نوجوانان.

سوم) حمایت و تشویق بدون قید و شرط کودکان و نوجوانان توسط پدر و مادر یا سایر اطرافیان.

کودکان خلاق سعی می‌کنند با اختصاص دادن مکان و محلی برای نگه‌داری از وسایل و لوازمشان و تهیهٔ تجهیزات ساده و گوناگون، دست به سازندگی و ابتکارات نو بزنند. آن‌ها بر اثر اصل «کوشش - خطا» بارها آزمایش‌های خود را تکرار می‌کنند و بدون احساس کم‌ترین خستگی و ناامیدی،

ارائه معماها و چیستان‌های ساده، هم موجب شادی و سرگرمی کودکان می‌شود و هم روحیه کنجکاوی و تفحص را در آن‌ها بیدار می‌کند.

این امکان را برای آن‌ها فراهم کنیم.

ارائه معماها و چیستان‌های ساده، هم موجب شادی و سرگرمی کودکان می‌شود و هم روحیه کنجکاوی و تفحص را در آن‌ها بیدار می‌کند. یافتن رابطه بین اعداد زنجیره‌ای ریاضی، تمرین‌های حافظه‌ای و پرسش‌های کلامی، همگی می‌توانند موجب رشد ذهنی کودک شوند و او را به استفاده مستمر از هوش و ذکاوت خود برانگیزند. خواندن و مطالعه کردن کتاب‌های گوناگون موجب پرورش ذهن، فکر و خلاقیت بچه‌ها می‌شوند. داستان‌های اسرارآمیز، زندگی‌نامه‌ها، ماجراهای خیالی، کتاب‌های علمی ساده یا ایده‌های ابتدایی، شگفتی‌های جهان،... همگی می‌توانند تمرین مؤثری برای خلاقانه فکر کردن کودکان باشند. یادداشت برداری حین خواندن، مطالعه را غنی‌تر می‌کند و خواننده را وادار می‌دارد که با هر بار خواندن کتاب مطالب تازه‌تری از آن استخراج کند.

در کنار امکانات، وسایل و محرکاتی که برای رشد قوه خلاقیت بچه‌ها فراهم می‌آورید، باید حمایت‌های عاطفی - معنوی خود را از ایده‌های خلاق و مبتکرانه بچه‌ها دریغ نکنید. والدین و مربیانی که با کودکان (در هر گروه سنی) سروکار دارند، باید سعی کنند با ایجاد محیطی راحت، امن و اعتماد برانگیز از تلاش‌های آنان حمایت و پشتیبانی کنند. زمانی که کودک احساس کند مورد بی‌مهری و بی‌توجهی دیگران قرار گرفته است و فکر و ایده او را مسخره می‌کنند، دچار احساس ناامیدی و یأس خواهد شد و رفته رفته از ترس این که احمق جلوه نکند، دست به کار و فعالیت - هر چند ساده و ابتدایی - نخواهد زد. برعکس زمانی که کودک احساس امنیت، ارزشمندی و عزت نفس کند و اطمینان داشته باشد که اگر طرح‌ها و ایده‌هایش عملی نشوند، مورد انتقاد و سرزنش قرار نخواهد گرفت، بدیهی است که به



پیگیرانه به دنبال کسب موفقیت و رسیدن به هدف خودند. در این میان، برای جهت دادن به مسیر حرکت کودک می‌توان به او انگیزه و محرک کافی برای شروع فعالیت و پویایی داد. در نظر داشته باشید که برای پیشرفت در کار، کودک باید بتواند در بدو امر موفقیت‌های زیادی به دست آورد. بهترین کار برای آماده سازی فکری او نیز طرح مسائل و موضوعات ساده‌ای است که در بچه‌ها انگیزه حرکت ایجاد کند. همین که آن‌ها توانستند شادمانه شاهد پیروزی‌های خود باشند، می‌توان مسائل و مشکلات سخت‌تر و پیچیده‌تری برای آن‌ها مطرح کرد تا بدین ترتیب از قوه ابتکار و خلاقیت خود استفاده کنند و با کوشش و تلاش بیش‌تر از توانایی‌های بالقوه فکری - حرکتی‌شان بهره بگیرند. اگر هدف ما پرورش قوه خلاقیت و ابتکار کودکان و نوجوانان است باید با گسترده‌تر کردن تجاربشان



استعدادها و توانایی‌های درونی خود پی خواهد برد و تلاش بیش‌تری برای یافتن راه حل‌های جدید و حل مسائل پیچیده‌تر خواهد کرد. داشتن اعتماد به نفس قوی و خود پنداره مثبت، از عواملی‌اند که به وسیله حمایت عاطفی - روانی اطرافیان در کودک و نوجوان به وجود می‌آید.

نکته دیگر این است که هیچ‌گاه ایده‌ها و روش کار بچه‌ها را با کار افراد هنرمند و حرفه‌ای مقایسه نکنید. هیچ لزومی ندارد که کاردستی مبتکرانه کودکان، «زیبا»، «کامل» و «بدون نقص» باشد. تأکید شما باید بیش‌تر بر فرایند انجام کار باشد، تا نتیجه آن. مهم آن است که کودک دست به کار شود و اثری از خود به جای گذارد. کودکان و نوجوانان برای حل خلاقانه مشکلاتشان نیاز به بررسی جوانب مختلف مسئله و راه‌حل‌های احتمالی آن دارند. والدین و مربیان می‌توانند با توجه به نکات زیر روحیه کنجکاوی و خلاقیت را در کودکان و نوجوانان پرورش دهند:

۱- انتخاب: کودکان و نوجوانانی که شانس انتخاب بیش‌تری دارند، نسبت به سایر بچه‌هایی که از چنین شانس‌هایی برخوردار نیستند، خلاقانه‌تر فکر و عمل می‌کنند.

۲- انگیزش و تحریک: محیط‌های پرمحرک و پویا همواره موجب برانگیختن بچه‌ها برای حرکت، ساختن و به کارگیری استعدادهای درونی آنان می‌شود. برای مثال، وقتی از کودک می‌پرسند: «... هلال ماه شبیه چیست؟...» آن‌هایی که در اطرافشان اشکال گوناگون، به اندازه‌ها و طرح‌های مختلف دارند، بهتر و راحت‌تر آن را تشخیص می‌دهند تا گروهی که هیچ امکانات و نشانه‌هایی که شبیه هلال ماه باشد، در اختیار ندارند.

۳- امکان بازی و سرگرمی: انجام بازی‌های گوناگون و متنوع، پیش‌زمینه ذهنی و امکانی برای بچه‌ها فراهم می‌آورد

**هیچ لزومی ندارد که
کاردستی مبتکرانه کودکان،
«زیبا»، «کامل» و «بدون
نقص» باشد.
تأکید شما باید
بیش‌تر بر
فرایند انجام کار باشد،
تا نتیجه آن.**

که آن‌ها بتوانند در آینده با فرایند و چگونگی حل مسئله آشنا شوند. در حقیقت، بچه‌ها از طریق انجام بازی‌های مختلف (حرکتی، فکری، عاطفی،...) برای بهتر فکر کردن و تصمیم گرفتن تمرین می‌کنند.

۴- استقلال (در چهارچوب معین): والدین و مربیان می‌توانند با تشویق بچه‌ها به مستقلانه فکر و عمل کردن (در محدوده خاص)، به آن‌ها اجازه تصمیم‌گیری در امور مربوط به خودشان را بدهند.

۵- معرفی انجمن‌های گوناگون: سعی کنید با ایجاد فرصت‌هایی برای آشنا شدن کودکان و نوجوانان با سایر گروه‌ها و انجمن‌های علمی - فرهنگی، آنان را در این راه هدایت کنید.

۶- جلسات تبادل افکار: بچه‌ها را تشویق کنید تا برای

از شیوه‌هایی که می‌تواند در کودکان و نوجوانان احساس مثبت نسبت به خودشان به وجود آورد، همانا تحلیل و ارزشیابی اثر و کار فکری آن‌هاست. هنگام طرح هر انتقادی ابتدا باید به نکات برتر، ویژگی‌های مثبت و نقاط قوت کار کودک اشاره شود و سپس با استدلال منطقی، ضعف‌ها و اشتباهات او مورد بررسی و کندوکاو قرار گیرد.

۱۰- اهمیت اشتباه کردن: یکی از زیباترین ویژگی‌های کارهای بچه‌ها، اشتباهاتی است که آن‌ها هنگام کار انجام می‌دهند، و البته همین اشتباهات است که کارهای آنان را شگفت‌انگیز و جالب می‌کند. اغلب موضوعاتی که بچه‌ها به آن جلب می‌شوند، موضوعاتی‌اند که بزرگ‌ترها متوجه آن‌ها

حل کردن مسائل و مشکلاتشان به صورت گروهی به تبادل نظر و بحث بپردازند. این گونه جلسات بین بچه‌ها یا بین بچه‌ها و بزرگ‌ترها می‌تواند به دور از هرگونه تعصب و یک‌جانبه‌نگری، موجب رشد و پرورش فکر و ذهن آنان شود.

۷- به کارگیری نیروی تخیل: پدر و مادر می‌توانند دو موضوع کاملاً نامربوط را برای کودک مطرح کنند و از او بخواهند که ارتباطی بین آن‌ها پیدا کند. این گونه فعالیت‌های مغزی موجب رشد قوه تخیل و ابتکار در کودک می‌شود. شما می‌توانید به روش‌های گوناگون مسئله خودتان را مطرح کنید. برای مثال:

● می‌توانید مقداری خمیر یا گل سفال‌گری در اختیار کودک قرار دهید و از او بخواهید با آن چیزی بسازد.

پدر و مادر

می‌توانند دو موضوع کاملاً نامربوط را برای کودک مطرح کنند و از او بخواهند که ارتباطی بین آن‌ها پیدا کند. این گونه فعالیت‌های مغزی موجب رشد قوه تخیل و ابتکار در کودک می‌شود.



● کودک را به فضا و مکانی خیالی ببرید. برای نمونه، از او پرسید: «بدون استفاده از اجاق گاز، برق و آتش، چگونه می‌توان غذا پخت؟»

● از کودک یا نوجوان بخواهید تا مسئله و مشکلی را تنها با رسم نقاشی - و نه نوشتن - شرح و توضیح دهد.

● از کودک یا نوجوان بخواهید که مشکلی را با استفاده از مضحک‌ترین و طنزآمیزترین روش حل کند.

۸- تشویق: زمانی که بچه‌ها استعدادها و میل ذاتی خاصی مثل: نویسندگی (توانایی بسط و شرح موضوعات)، حافظه فوق‌العاده، مهارت‌های پیشرفته خواندن و مطالعه، توانایی هنری و سایر استعدادهای معمول و رایج را از خود نشان می‌دهند، خوب است والدین و مربیان، آن‌ها را تشویق کنند تا سایر شایستگی‌ها و استعدادهایشان را شکوفا سازند.

۹- انتقادهای سازنده: ارزیابی درست و صادقانه کار بچه‌ها موجب سازندگی و پیشرفت بهتر آن‌ها می‌شود. یکی

نمی‌شوند یا آن‌ها را جالب نمی‌دانند. شکست خوردن در فرایند خلاق شدن امری طبیعی است. اگر بچه‌ها نتیجه تحقیقات و ابتکاراتشان را از قبل بدانند، انگیزه‌ای برای تفحص و پژوهش نخواهند داشت. کودکی که بارها طرحی را در ذهن خود می‌پرورد و هر بار یک تغییر جزئی در آن به وجود می‌آورد، یا کودکی که سعی می‌کند با تعدادی وسایل ساده، دستگاهی بسازد، مسلماً از ابتدای کار نمی‌داند که حاصل تلاشش چه خواهد بود. او در مسیر فعالیت و تفکر خلاق خود بارها اشتباه خواهد کرد تا به نتیجه برسد. برای تقویت حس کنجکاوی و خلاقیت بچه‌ها باید به آن‌ها فرصت اشتباه کردن داد و سپس با احترام گذاشتن به ایده و

نظر آن‌ها، درصدد تصحیح خطایشان برآمد.

۱۱- محیط‌های پرورش غنی؛ والدین و مربیانی که شیفته کارهای کودکان و نوجوانان‌اند، امکاناتی برای آن‌ها فراهم می‌سازند که می‌توانند روش‌های خلاقانه‌تری برای حل مسائل خود ارائه کنند.

عوامل بازدارنده خلاقیت و ابتکار

یکی از علل این امر که هر چه کودکان بزرگ‌تر می‌شوند از میزان خلاقیت آنان کم می‌شود، این است که در دام عادات یک نواخت زندگی می‌افتند. وقتی ذهن و فکر همواره درصدد حل مسئله با استفاده از یک روش باشد و

برای تقویت حس کنجکاوی

و خلاقیت بچه‌ها

باید به آن‌ها

فرصت اشتباه کردن داد و

سپس با احترام گذاشتن

به ایده و نظر آن‌ها،

درصدد تصحیح خطایشان

برآمد.

عادت کند همیشه از یک راه به هدف برسد، رفته رفته خلاقیت خود را از دست می‌دهد. در حالی که اگر سعی کنیم زنجیره یک نواخت عادات را بشکنیم و ایده‌های گوناگونی برای یافتن پاسخ‌های مسائل ارائه دهیم، به طوری که تنها از تجارب گذشته برای حل مسائل جدید استفاده نکنیم، به نوعی توانسته‌ایم با یورش فکری شیوه تفکر خلاقانه را در بچه‌ها پرورش دهیم.

گروهی از مردم نیز به سبب فشارهای خارجی گوناگونی که احساس می‌کنند، نمی‌توانند نهایت سعی خود را در باروری قوه خلاقیت و ابتکار فرزندان‌شان به کار بندند. بعضی از عواملی که موجب کاهش خلاقیت‌های فکری بچه‌ها می‌شوند، عبارت‌اند از:

● پاداش

زمانی که فرد برای کاری که انجام داده است، انتظار گرفتن پاداش را نداشته باشد، هم از قوه خلاقه بیش‌تری استفاده می‌کند، و هم از انجام کارش لذت می‌برد. پاداش غیرمنتظره‌ای که کودک یا نوجوان در قبال فعالیتی که انجام داده است، می‌گیرد، ارزشمند است، ولی واجب نیست؛ چون او تصور می‌کند که کارش به انتها رسیده است و دیگر نیازی به پیگیری بیش‌تر و ارائه کارها و روش‌های خلاقانه‌تر نیست.

● انگیزش درونی در برابر انگیزش بیرونی

زمانی که به عنوان پاداش از انگیزش‌های بیرونی مثل دادن پول، هدیه یا جایزه‌های استثنایی استفاده می‌کنیم، در حقیقت قوه خلاقیت و نوآوری را در کودک یا نوجوان از بین می‌بریم. هنرمندان معتقدند وقتی که تنها برای رضایت لذت درونی خودشان اثری را به وجود می‌آورند، به مراتب سازنده‌تر از زمانی که تنها قرار است اجرت یا حقوقی بابت کار و اثرشان دریافت کنند، کار می‌کنند.

● انتظار برای ارزشیابی نوآوری و اثر هنری

هنگامی که فرد از قبل می‌داند اثر و کار او مورد ارزشیابی و طبقه‌بندی قرار می‌گیرد، خلاقیت و نوآوری او در کارها و فعالیت‌هایش کاهش می‌یابد.

● فشارهای دوستان و اطرافیان

پژوهش‌های بی‌شماری نشان می‌دهند که استرس‌ها و فشارهای روانی‌یی که توسط دوستان و همسالان بر کودک و نوجوان وارد می‌شود، مانع از بروز استعداد‌های خلاقانه آن‌ها می‌گردد.

● نظارت و مراقبت شدید

اگر کودک دائماً تحت مراقبت و نظارت باشد، فرایند خلاقیت در او کاهش می‌یابد و از ترس این که مورد نکوهش قرار گیرد، از انجام کار مورد نظرش منصرف خواهد شد.

منابع:

- RAUSCHER, SHAW, LEVINE, WRIGHT, DENNIS & NEW COMB, 1997.
- PRASAD, DEVI, CREATIVITY AND EDUCATION, 2002.
- GABLE, SARA, CREATIVITY IN YOUNG CHILDREN, 2000.
- FARRELL, ERICKSON, MARTHA (PH.D.), YOUNG CHILDREN AND THE ARTS : MAKING CREATIVE CONNECTIONS, 2003.